

ضرورت سرمایه گذاری برای ادبیات کودک دفاع مقدس



علیرضا حیدری

روزنامه نگار و مدرس ویراستاری

ادبیات کودک همیشه برای دغدغه‌مندان حوزه کتاب مسئله بوده است و نگرانی‌هایی را ابراز کرده‌اند. این دغدغه‌گاهی در جاهایی مانند کم‌توجهی به هویت ملی بیشتر خودش را نشان می‌دهد. دفاع مقدس بخشی از این هویت ملی است که‌کیان و تاریخ یک ملت را در بر می‌گیرد. دفاع مقدس بخشی از این هویت است که در حوزه ادبیات کودک همچنان با اما و اگرهایی همراه است، چه به لحاظ شمار و تعداد و چه کیفیت و محتوا. تولید آثار دفاع مقدس برای این گروه سنی اهمیت دارد، چون کودکان و نوجوانان چه به لحاظ حضور مستقیم در جنگ (مانند «بیست و سه نفر») یا پشت جنگ (مانند «قمقه‌آب») می‌تواند سوزۀ آثار داستانی و شعر باشد.

ضمن اینکه ادبیات کودک به سرمایه‌گذاری نیاز دارد و این سرمایه‌گذاری، خود سرمایه می‌شود برای آینده کشور. برای تولید آثار کودک باید امکانات و تسهیلات بیشتری را در نظر گرفت و باور داشت همه این هزینه‌ها فرادهای روشنی را در پی دارد.

ازاین‌رو، گرانی تولید کتاب در حوزه کودک باید به حداقل برسد و یارانه‌های جدی را در نظر گرفت. نگاه رهبر انقلاب به حوزه ادبیات کودک نیز از توجه ایشان به اهمیت آن حکایت می‌کند: «شما که در آفرینش هنری خودتان، کودک را مخاطب قرار می‌دهید، بدانید درست روی نقطه اصلی حرکت می‌کنید. آن کسی می‌تواند از کار خود خشنود و از رضای الهی خاطرجمع باشد که خلأ لحظه را پر کند. کار برای کودکان و نوجوانان در حقیقت برای آینده، برای خانواده‌ها، برای کشور و تاریخ است، (۱۳۷۷/۰۲/۲۳).

شاید بخشی از کم‌توجهی به این حوزه ناشی از دشواری نوشتن برای این گروه سنی باشد و محدودیت‌ها و مرزهایی که درباره دفاع مقدس وجود دارد. به‌ویژه شناخت مخاطب امروزی کودک و نوجوان که نیازهایش با هم‌سن‌وسال‌های خود در گذشته متفاوت است و چه بسا بیش از آنکه به اسطوره‌سازی نیاز داشته باشد، به دنبال الگوهای واقعی است. ازاین‌رو، سیاست‌گذاری برای ادبیات کودک و نوجوان با موضوع دفاع مقدس نیازی جدی است. علاوه بر این نقد و بررسی این آثار نیز باید همواره مورد توجه باشد تا دقت‌ها و ظرافت‌های نوشتن برای این گروه سنی فراموش نشود. سال ۱۳۸۱ رضا رهگذر در کتابی با عنوان «در مسیر تندباد، به بررسی بیست سال ادبیات داستانی دفاع مقدس ویژه کودکان و نوجوانان پرداخت. امروز هم این نقد و بررسی دقیق می‌تواند برای آینده این حوزه راهگشا باشد.

از آفت‌های جدی که این حوزه را تهدید می‌کند، سفارشی‌نویسی، غلو و اغراق در محتوا، ساده‌انگاری مخاطب و تکرار است. نکته‌مهم دیگری این است که در ادبیات دفاع مقدس نگاه و جهت باید به ترویج صلح باشد و روحیه این گروه سنی را در نظر گرفت تا هم به عظمت‌ها و جنبه‌های حماسی دفاع مقدس توجه شود و هم ضرورت دفاع از کیان ملی و دینی را در ذهن آن‌ها شکل داد. برخی از مسئولان معتقدند که تاکنون کتاب‌های بسیاری برای کودکان در حوزه جنگ و هشت سال دفاع مقدس تولید شده است، ولی چرخه عرضه مشکل دارد. هرچه‌که باشد این گروه سنی نیازمند توجه بیشتر است. خوشبختانه کتاب‌های خوبی در این حوزه منتشر شده است که می‌شود به برخی از برجسته‌ترین آن‌ها اشاره کرد.

«اسم من خاگیرز است» عنوان کتابی از مرتضی سرهنگی است که تلاش می‌کند با بیانی کودکانه شرحی از ویژگی‌ها و کارکردهای خاگیرز را برای بچه‌ها بیان کند. این نویسنده کتاب «روزهای خرمشهر» را هم برای کودکان دبستانی نوشته است و نکته‌های جالبی از روزهای جنگ به آنان می‌آموزد. البته «بچه‌های کارون» نوشته احمد دهقان نیز درباره اشغال و آزادسازی خرمشهر از نگاه چند نوجوان است.

«قمقه‌آب» نوشته ابراهیم حسن بیگی نیز برای گروه سنی «ب و ج» منتشر شده و به موضوع جنگ از نگاه یک کودک ساکن خرمشهر می‌پردازد. جالب است که این کتاب تاکنون به دوزبان انگلیسی و ترکمنی ترجمه شده است.

«فرزندان ایرانیم» را داوود امیریان به‌صورت طنز داستانی روایت کرده است که فضایی خشک و خشن جنگ را برای مخاطبان نوجوان خواندنی و شیرین می‌کند. «بچه‌ها و کیوترها» نوشته سیروس طاهباز نیز با موضوع متفاوت شهر جنگ‌زده و کیوت‌های مهاجر برای گروه سنی «ب و ج» منتشر شده است.

«محلۀ حاجی» نوشته بهناز ضرابی‌زاده، «فهمیده» رزمنده کوچک، از قاسم کریمی، «بال‌های آبی من» نوشته راضیه دهقان سلماسی، «آخرین سیب» مریم جمشیدی و «بنجه ببر» شامل مجموعه خاطراتی از جنگ از احمد عربلو هم از دیگر آثار قابل تأمل حوزه ادبیات کودک و نوجوان است.

زین قدیر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- ناوبراسته**✕

برای رسیدن به توسعهٔ همه‌جانبه باید همواره تلاش کنید و به همه جوانب آن بیاندیشید.

- ویراسته**✔

برای رسیدن به توسعهٔ همه‌جانبه باید همواره تلاش کنید و به همه جوانب آن بیندیشید.

- نکته**🔑

در حالتی که «ب» بر سر افعالی بیاید که با الف مفتوح و مضموم آغاز می‌شود، با اتصال ب، «الف» از سر فعل حذف می‌شود، مانند: بینداخت و بیندیشید.

#زین-قدیر_فارسی

نشست «بررسی وقایع شهریور ۱۴۰۱» با حضور جواد موگویی، نویسنده و مستندساز، در مشهد برگزار شد

حجاب به علاوه انباشت مسائل



عکس:حسن میلانی/تهران‌را

و در تاریخ هم نداریم که طبقه متوسط به بالای جامعه انقلاب کرده‌باشد. انقلاب همیشه مال پاره‌نه‌هاست. انقلاب سیاهان، انقلاب کمونیستی. چون انقلاب کردن هزینه زیادی دارد و طبقه پایین بهتر هزینه را پرداخت می‌کند. من بچه پایین میدان شوشم، بچه‌های شاه عبدالعظیم و شوش و راه‌آهن حجاب اولویتشان نیست. اولویت آن‌ها اقتصاد است. پس همه مردم با این جنبش نیستند. می‌رسیم به ایدئولوژی. امام خمینی^(ره) سال ۴۲ قیام می‌کند و سال ۴۷ کتاب «ولایت فقیه» را منتشر می‌کند و بلافاصله مدل جمهوری اسلامی را اعلام می‌کند و مردم هم رأی می‌دهند. الان مدل معترض چیست؟

● تصویر ارائه شده از جمهوری اسلامی واقعی نیست جمهوری اسلامی را باید با دو کیت آزمایشگاهی بسنجید: یک، رژیم قبلی. دو، شعارهایی که داده. در مقایسه با رژیم قبلی صد به یک جلو است، اما در سنجش با شعارهایی که داده، نه. در خیلی چیزها عقب است، یکی اینکه قرار بود هر کس هر چه می‌خواهد بگوید آزاد باشد، اما آیا الان همه آزادند؟ واقعیت جمهوری اسلامی الان در این نقطه است. اما تصویری که در ذهن‌ها هست این است که پهلوی بهتر بوده. تا این تصویر در عمل درست نشود، مسئله مهاجرت حل نمی‌شود.

بود، خود جمهوری اسلامی گذاشته بود. در اردبیل ماچرا از آنجا شروع شد که سپاه و استانداری و غیره تصمیم می‌گیرند یک مراسم زنان آگاه و مسلمان برقرار کنند و چون کسی به خیابان نمی‌آید آموزش و پرورش مدیران مدارس را اجبار می‌کند که هر یک دست‌کم دو تا اتوبوس آدم بیاورند. حدود شش هفت هزار نفر بچه را بدون اطلاع پدر و مادر آورده بودند وسط شهر و همین باعث شد خانواده‌ها بپرند جلو در مدارس اعتراض کنند و کار به درگیری بکشد. خب این می‌شود غائله اردبیل، آیا به دشمن ربط دارد؟ به اینترنت‌شنال ربط دارد؟ خودت غائله درست کرده‌ای در شهر خودت!

● همه دنیا علیه ما بود اتفاقات ۱۴۰۱ معجونی از واقعیت و مجازی بود. آنچه در کف خیابان بود، همه‌اش محصول دشمن نبود. تو خودت خطا کردی نمی‌توانی به دشمن نسبت دهی. از طرفی آنچه در کف خیابان بود با فضای مجازی که ضریبش ده‌ها و صدها برابر بود متفاوت بود. گنجی حاکمیت هم به این اتفاقات کمک می‌کرد، چون نمی‌دانست الان چه باید بکند، اما چرا در ۱۴۰۲ این اتفاق نیفتاد؟ جنبش برای پیروزی سه چیز لازم دارد: رهبر، ایدئولوژی، مردم. آیا بالای سر این جنبش کسی مثل نلسون ماندلا می‌بینید؟ من تا به حال شنیده‌ام

بی‌حجابی بودند بر حکومت پیروز شدند، چون همچنان در دانشگاه به وضعیت حجاب شما گیر می‌دهند و پاساژها پلمب می‌شود و در هر جایی که بشود اعمال زور یا قانون کرد هنوز حجاب آزاد نشده است.

● تفاوت خیابان با اینستاگرام من بعضی شهرها را در زمان اعتراضات رفته‌ام، ایزده، اهواز، کرج، اردبیل، سیستان و بلوچستان. تهران که هر روز بودم. شهرهای اصلی را تقریباً رفته‌ام به‌جز کردستان. رصد هم رصد خوب و نسبتاً دقیقی است، یعنی در مشهد و جاهای دیگر رفیق دارم که به من اطلاعات می‌دهند. به قطع می‌گویم آنچه در خیابان بود و آنچه در اینستاگرام بود خیلی متفاوت بود، یعنی شما فکر می‌کردی اردبیل خط مقدم است، وقتی پرس‌وجو می‌کردی می‌دیدي به‌جز روز اول و دوم که همه شهرها شلوغ شد فقط یک روز حدود یک ساعت آن هم یک خیابان اردبیل شلوغ شده، ولی در اینستاگرام فکر می‌کردی هر روز در اردبیل بکش بکش و شهر در حال سقوط است.

● خودمان هم مقصر بودیم من قبول ندارم همه آن اتفاقات ناشی از جنگ هیبریدی بود. سرانجام گشت ارشاد که متجاری نبود و ون در وسط خیابان بود و دشمن آن را نگذاشته

● هر کسی که شیشه‌ای شکست اغتشاشگر نیست به نظرم تفاوت «اغتشاش» و «اعتراض» در هدف آن است نه در شکلی که دارد اتفاق می‌افتد. زمانی شما بر منای اعتراضی که داری، شیشه‌های یک بانک را پایین می‌آوری یا در دانشگاه شیشه‌های سلف را می‌شکنی و دنبال براندازی هم نیستی، می‌خواهی به‌نوعی اعتراضت را نشان دهی. کسی هم که می‌خواهد براندازی کند ممکن است شیشه بشکند. به نظرم در ۱۴۰۱ حتما عده‌ای دنبال براندازی بودند و عده‌ای هم معترض بودند، همین مقداری کار را پیچیده می‌کند و شما نمی‌دانی چه برخوردی با این جمعیت داشته باشی. پس درست نیست هر کسی را که جایی را آتش زد یا شیشه‌ای را شکست برانداز و اغتشاشگر بدانیم.

● مسائلی که روی هم انباشته شد من خیلی حجاب را مسئله ۱۴۰۱ ندیدم، بلکه انباشتی از مسائل باعث آن اتفاقات بود. در نتیجه آن وقایع، مخالفان حجاب اجباری بر موافقان آن پیروز شدند، یعنی اگر شما در خیابان‌های تهران بدون حجاب باشی کسی به شما نمی‌گوید خانم حجاب را سرت کن. این رفتاری عمومی است که تقریباً در شهرهای دیگر هم اتفاق افتاده است، البته این بدین معنا نیست که آن‌ها که خواستار

محمدجعفر یاحقی از زخم‌های زبان فارسی گفت

سیاست تضعیف زبان فارسی در مهد آن

اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی راهی ایران شد.

● مهاجرت فرهنگی که از کشور افغانستان به دیگر کشورها شده، بیشتر در چه دوره‌ای بوده و چقدر امروزه شدت گرفته است؟

همواره روی کار آمدن دولت‌هایی که سر عناد با زبان فارسی داشته‌اند آسیب‌های جدی به‌زبان فارسی در افغانستان زده‌اند. و یکی از این آسیب‌ها مهاجرت شاعران و نویسندگان این کشور به دیگر کشورها بوده است. البته اگر به تاریخ افغانستان نگاه کنیم همواره نوک پیکان این دولت‌ها به سوی فارسی‌زبان‌ها بوده و همین امر و سختی‌هایی که به فارسی‌زبان‌ها در افغانستان از سوی دولت‌ها روا داشته شده موجب مهاجرت فارسی‌زبان‌ها به کشورهای دیگر شده است و این ضایعه بزرگی برای زبان فارسی محسوب می‌شود.

● موضوع دیگری که وجود دارد، بی‌مهری مفرطی است که به زبان فارسی و گویشوران آن در افغانستان امروز می‌شود. جایی که خاستگاه فارسی دری هم هست. دلیل این بی‌مهری به نظر شما چیست؟

همان‌طور که گفتید زادگاه زبان فارسی دری که ما امروزه با آن سخن می‌گوییم، بلخ بوده، بلخ پیش از آن خاستگاه آیین زرتشتی است و در عمل فرهنگ ایرانی و بودایی در این منطقه شکفتگی خاصی داشته است. در گذشته کشور افغانستان روی نقشه وجود نداشت و افغانستان جزئی از ایران بزرگ بود. فرهنگ و تمدن ایرانی در گذشته در افغانستان عنوان‌های دیگری داشته است و همواره شاهد شکوه فرهنگ و تمدن در این منطقه بوده‌ایم. حکومت سامانیان و حکومت غزنویان که مرکز آن در غزنین واقع در افغانستان امروزی بوده، در گسترش زبان فارسی نقش مهمی ایفا کرده است. براساس برخی روایات لهجه بلخی بوده که در بیشتر مناطق ایران گسترش پیدا کرده و به مرکز و جنوب ایران رفته است. متون هم در فاصله قرن دوم تألیف شده به زبان فارسی نگاشته شده است، بیشتر در مناطق بوده که امروزه جزو سرزمین افغانستان محسوب می‌شود. نخستین شاعرانی که به زبان فارسی شعر سروده‌اند بیشتر جزو این منطقه هستند. بنابراین، دیرینگی زبان فارسی در سرزمینی که امروزه افغانستان نامیده می‌شود هم‌زمان با تولد این زبان است. رودکی، سنایی، مولوی، ناصر خسرو، خواجه عبدا... انصاری و ده‌ها وصداشاعر

● باتوجه به موج گسترده مهاجران

افغانستانی به ایران آیا توانسته‌ایم از

فرهیت‌های آن‌ها درست استفاده کنیم؟

متأسفانه نه. در ایران چنین وضعیتی وجود ندارد و جز در موارد استثنایی امکان بهره‌گیری از قابلیت‌های این افراد فراهم نشده است و متأسفم بگویم بسیاری از ادیبان و فرهنگیان افغانستانی که مجبور به مهاجرت به ایران شدند به دلیل اینکه طبق قوانین ایران این اجازه را نیافتند تا توانایی خود را بروز دهند به شغل‌های نامرتبطی رو آوردند، مثلاً همین عبدالغفور آرزو که

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●